

تحلیل وضعیت دانشجویان دکتری و دلالت‌های سیاستی برای نظام آموزش عالی

۱. مقدمه

دوره دکتری به‌عنوان عالی‌ترین سطح آموزش دانشگاهی، نقش محوری در تولید دانش، تربیت نیروی انسانی متخصص و توسعه ظرفیت‌های پژوهشی کشورها ایفا می‌کند. کیفیت طراحی و اجرای این دوره، تأثیر مستقیمی بر عملکرد نظام علمی و همچنین توانمندی کشور در حوزه‌های نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان دارد. در سال‌های اخیر، مجموعه‌ای از تحولات محیطی، شرایط این دوره را در سطح جهانی دستخوش تغییر کرده است. از جمله این تحولات می‌توان به افزایش محسوس هزینه‌های زندگی، تغییر در الگوهای اشتغال و کاهش نسبی جذابیت مسیر آکادمیک، گسترش بین‌المللی‌سازی آموزش عالی و همچنین ورود فناوری‌های نوین به‌ویژه ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی اشاره کرد. این عوامل، ضرورت بازنگری در سیاست‌ها و سازوکارهای مرتبط با دوره دکتری را بیش از پیش برجسته ساخته است. نیچر یک پیمایش جهانی در سال ۲۰۲۵ با مشارکت ۳۷۸۵ دانشجوی دکتری از ۱۰۷ کشور انجام داده که تلاش دارد تصویری مبتنی بر شواهد از تجربه زیسته دانشجویان دکتری ارائه دهد.

۲. تحلیل وضعیت موجود

۲.۱. ویژگی‌های جمعیتی و بین‌المللی شدن

یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که آموزش دکتری در سطح جهانی به‌طور قابل توجهی ماهیتی بین‌المللی یافته است. بر اساس داده‌ها، در سال ۲۰۲۵ حدود ۳۳ درصد از پاسخ‌دهندگان در خارج از کشور محل زندگی خود مشغول به تحصیل هستند (در مقایسه با ۲۲ درصد در سال ۲۰۲۲). این امر بیانگر افزایش تحرک علمی و رقابت میان نظام‌های آموزش عالی برای جذب دانشجویان دکتری است.

از منظر توزیع جغرافیایی، پاسخ‌دهندگان از طیف متنوعی از مناطق جهان شامل اروپا، آسیا، آمریکای شمالی، آفریقا، آمریکای جنوبی و اقیانوسیه بوده‌اند که نشان‌دهنده پوشش نسبتاً گسترده این پیمایش است. همچنین، سهم بالای دانشجویان نسل اول (حدود ۸۱ درصد که نخستین فرد در خانواده برای ورود به مقطع دکتری هستند) حاکی از گسترش دسترسی به آموزش عالی پیشرفته است. با این حال، این موضوع می‌تواند با نیاز بیشتر به حمایت‌های آموزشی، اجتماعی و مالی برای این گروه همراه باشد.

۲.۲. انگیزه‌های ورود به دوره دکتری

بر اساس یافته‌های پیمایش، مهم‌ترین انگیزه برای ورود به دوره دکتری «ادامه فعالیت پژوهشی» عنوان شده است که توسط ۶۶ درصد پاسخ‌دهندگان ذکر شده است. پس از آن، «علاقه شخصی به موضوع» (۴۹ درصد) و «تمایل به دنبال کردن مسیر آکادمیک» (۴۸ درصد) قرار دارند.

در مقابل، عواملی نظیر دریافت بورسیه یا الزام شغلی به داشتن مدرک دکتری سهم به‌مراتب کمتری در تصمیم‌گیری اولیه داشته‌اند. این الگو نشان می‌دهد که انتخاب دوره دکتری عمدتاً مبتنی بر انگیزه‌های درونی و علمی است. چنین وضعیتی از منظر حفظ کیفیت علمی مزیت محسوب می‌شود، اما می‌تواند به کاهش توجه به نیازهای بازار کار و کاربردپذیری نتایج پژوهش‌ها منجر شود.

۲.۳. رضایت از تجربه دکتری

بر اساس داده‌ها، حدود ۷۵ درصد از دانشجویان اظهار داشته‌اند که حداقل تا حدی از تجربه دکتری خود رضایت دارند. با این حال، تنها حدود ۸ درصد از پاسخ‌دهندگان سطح «رضایت بسیار بالا» را گزارش کرده‌اند که نشان می‌دهد رضایت عمیق و پایدار در میان دانشجویان محدود است.

تحلیل عوامل مؤثر بر رضایت نشان می‌دهد که «میزان استقلال در انجام فعالیت‌های پژوهشی» و «کیفیت تعامل با استاد راهنما» از مهم‌ترین عوامل مثبت هستند. در مقابل، کاهش میزان رضایت در طول زمان تحصیل به‌ویژه در سال‌های پایانی دوره مشاهده می‌شود. داده‌ها نشان می‌دهد که احتمال نارضایتی در سال‌های ۶ و ۷ به‌مراتب بیشتر از سال‌های ابتدایی است. این روند می‌تواند نشان‌دهنده فشارهای تجمعی، طولانی شدن دوره و افزایش عدم قطعیت در مراحل پایانی باشد.

همچنین، ارتباط میان میزان تعامل با استاد راهنما و سطح رضایت کاملاً مشهود است؛ به‌طوری‌که دانشجویانی که زمان بیشتری را در تعامل با استاد صرف می‌کنند، سطح رضایت بالاتری گزارش کرده‌اند.

۲.۴. چالش‌های اقتصادی و ساختاری

نتایج پیمایش نشان می‌دهد که مهم‌ترین نگرانی دانشجویان دکتری، مسائل مالی و هزینه‌های زندگی است. بر اساس داده‌ها، ۸۶ درصد از پاسخ‌دهندگان نسبت به هزینه‌های زندگی ابراز نگرانی کرده‌اند و ۴۷ درصد اعلام کرده‌اند که امکان پس‌انداز ندارند. همچنین، ۴۲ درصد فشار مالی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خود ذکر کرده‌اند.

در کنار این موضوع، فشار برای انتشار مقاله (۴۱ درصد) و کمبود منابع مالی پژوهشی (۳۶ درصد) نیز از جمله چالش‌های اصلی مطرح شده‌اند. این ترکیب از فشارهای اقتصادی و علمی، محیطی با فشار چندبعدی برای دانشجویان ایجاد می‌کند که می‌تواند بر کیفیت فعالیت‌های پژوهشی و تجربه کلی آن‌ها اثرگذار باشد.

۲.۵. سلامت روان و محیط دانشگاهی

بر اساس یافته‌ها، حدود ۳۰ درصد از دانشجویان برای مشکلاتی نظیر اضطراب یا افسردگی به خدمات حمایتی مراجعه کرده‌اند. این میزان، بیانگر سطح قابل توجهی از فشار روانی در میان دانشجویان دکتری است. در عین حال، ۷۵ درصد از افرادی که از این خدمات استفاده کرده‌اند، آن را مفید ارزیابی کرده‌اند که نشان‌دهنده اهمیت و کارآمدی نسبی این خدمات است. در حوزه محیط دانشگاهی، ۴۳ درصد از پاسخ‌دهندگان تجربه‌ای از تبعیض یا آزار را گزارش کرده‌اند. این میزان در میان گروه‌های اقلیت و دانشجویان بین‌المللی بالاتر بوده است. در عین حال، تنها ۲۸ درصد از دانشجویان احساس کرده‌اند که می‌توانند این موارد را بدون پیامد منفی گزارش دهند. این شکاف، نشان‌دهنده ضعف در اعتماد به سازوکارهای رسمی و نیاز به تقویت حکمرانی دانشگاهی است.

۲.۶. نقش هوش مصنوعی در فعالیت‌های پژوهشی

استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در میان دانشجویان دکتری به‌طور قابل توجهی گسترش یافته است. بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که به‌صورت هفتگی از این ابزارها استفاده می‌کنند. کاربردهای اصلی شامل نگارش متون علمی، تحلیل داده‌ها و مرور ادبیات پژوهش است. با این حال، نگرش به این فناوری دوگانه است. از یک سو، ۷۱ درصد از دانشجویان آن را برای افزایش کارایی مفید می‌دانند، اما از سوی دیگر، ۸۱ درصد نسبت به خروجی‌های آن اعتماد کامل ندارند. همچنین، ۶۴ درصد از پاسخ‌دهندگان خواستار تدوین دستورالعمل‌های رسمی برای استفاده از این ابزارها شده‌اند. این موضوع بیانگر وجود خلأ سیاستی در این حوزه است.

۲.۷. مسیرهای شغلی و آمادگی حرفه‌ای

نتایج نشان می‌دهد که ۵۲ درصد از دانشجویان، مسیر آکادمیک را به‌عنوان گزینه شغلی ترجیح می‌دهند، در حالی که ۲۴ درصد به سمت صنعت گرایش دارند. با این حال، جذابیت مسیر آکادمیک به دلایلی نظیر سطح پایین حقوق، رقابت بالا و محدودیت فرصت‌های شغلی کاهش یافته است. در حوزه آمادگی شغلی، ۷۱ درصد از دانشجویان خود را برای فعالیت‌های پژوهشی آماده می‌دانند، اما تنها ۳۱ درصد احساس می‌کنند که برای مشاغل غیرپژوهشی آمادگی دارند. این شکاف نشان‌دهنده عدم انطباق کامل مهارت‌های اکتسابی در دوره دکتری با نیازهای متنوع بازار کار است.

۳. جمع‌بندی و دلالت‌های سیاستی

برآیند یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که دوره دکتری در سطح جهانی با وضعیت دوگانه‌ای مواجه است. از یک سو، دانشجویان دارای انگیزه‌های قوی علمی و علاقه‌مند به پژوهش هستند و از برخی جنبه‌های تجربه خود رضایت دارند؛ از سوی دیگر، با چالش‌های قابل توجهی در حوزه‌های اقتصادی، ساختاری، روانی و شغلی مواجه‌اند. همچنین، شکاف میان نظام آموزش دکتری و نیازهای بازار کار، در کنار ورود فناوری‌های نوین بدون چارچوب‌های تنظیم‌گری مشخص، بر پیچیدگی این وضعیت افزوده است.

با توجه به یافته‌های فوق، اقدامات زیر قابل طرح در سطح سیاست‌گذاری است:

- (۱) بازنگری در اهداف و ساختار دوره دکتری: ضروری است اهداف دوره دکتری به گونه‌ای بازتعریف شود که علاوه بر تولید دانش، به حل مسائل واقعی و نیازهای کشور نیز توجه داشته باشد.
- (۲) تقویت ارتباط با صنعت: توسعه همکاری‌های دانشگاه و صنعت و ایجاد مسیرهای شغلی متنوع، می‌تواند به کاهش شکاف مهارتی کمک کند.
- (۳) اصلاح نظام حمایت مالی: بازنگری در سطح و نحوه تخصیص کمک‌هزینه‌ها با توجه به هزینه‌های واقعی زندگی، ضروری است.
- (۴) توسعه خدمات سلامت روان: تقویت خدمات مشاوره‌ای و حمایت روانی برای دانشجویان باید در اولویت قرار گیرد.
- (۵) ارتقای حکمرانی دانشگاهی: ایجاد سازوکارهای شفاف و قابل اعتماد برای رسیدگی به موارد تبعیض و تخلف ضروری است.
- (۶) سیاست‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی: تدوین دستورالعمل‌های رسمی برای استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی در آموزش و پژوهش مورد نیاز است.

با توجه به روندهای شناسایی‌شده، دوره دکتری در حال گذار به مرحله‌ای جدید است. اتخاذ رویکردی مبتنی بر شواهد و انجام اصلاحات ساختاری می‌تواند به ارتقای کارآمدی این دوره و افزایش انطباق آن با نیازهای جامعه منجر شود.

Reference: Nature Careers. (2025). Graduates survey 2025.

کارشناس: دکتر پریسا علیزاده